

بررسی عملیات پیروزمندانه گردان های القسام از منظر شریعت اسلام و قوانین بین الملل در گفت و گوی «وطن امروز» با آیت الله عباس کعبی

توفان الاقصی دفاع از اسلام بود



بر پایه آیین آن حضرت حرکت کنند، باید انبیای الهی را پذیرفته و تسلیم امر خداوند در این زمینه باشند. پس تفاوت است بین صهیونیسم با یهود اصل. صهیونیسم یک باند قدرت طلب، ظالم، جانی، طاغوت، شیطان صفت و قسی القلب است که خداوند در قرآن کریم درباره آنها می فرماید: **ضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ اللَّهُ آيَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَآيَاتٍ مِّنَ الْأَرْضِ لِيُبَيِّنَ لَهُمُ أَنَّهُمْ سَاءَ فِئْتٌ عَلَىٰ رَبِّهِمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ** بَمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَكْفُرُونَ، آنها محکوم به ذلت و خواری هستند به هر کجا که یافت شوند، مگر به دین خدا و عهد مسلمین در آیند، و آنان پیوسته مستحق خشم خدا و اسیر بدبختی و ذلت شدند از این رو که به آیات خدا کافر شده و پیغمبران حق را به ناحق می کشند و این نابکاری ها به خاطر نافرمانی و ستمگری همیشه آنها بود. یکی از ادعاهای صهیونیست ها این است که سرزمین فلسطین در زمان های خیلی دور متعلق به قوم یهود بوده و در پاسخ به این ادعا باید گفت اگر بر اساس چنین افسانه های بخواهند پیش بروند باید جغرافیای حاکمیتی کل جهان را تغییر دهند، زیرا با این روند هر ملتی می تواند برای خودش تاریخ سازی کرده و ملت دیگری را از سرزمینش بیرون کند. از لحاظ حقوقی هم هر ملتی که شکل گرفته و در سرزمین مشخصی با هیات حاکمه معینی زیست دارد از نمی توان از محل سکونت خودش اخراج کرد.

شده است. امروز جبهه های تحت عنوان «جبهه مقاومت اسلامی» شکل گرفته که اعضای آن هر کدام برای خودشان تلاش می کنند و ایران اسلامی فقط حامی آنها است. مرز مقاومت به این معناست که اعضای محور مقاومت در چارچوب منافع ملی، حاکمیت ملی و انسجام ملی خودشان اما با هماهنگی یکدیگر و در چارچوب برتری به نام مقاومت و ایستادگی در مقابل ظلم و جنایت متحد می شوند. **■ رسانه های استعماری هرگونه مخالفت و مبارزه با رژیم صهیونیستی را یهودستیزی معرفی می کنند. به نظر می آید برای اینکه این رسانه ها نتوانند افکار عمومی مردم جهان را فریب داده و مقابله با ظلم و تعدی یک رژیم جنایتکار را یهودستیزی و دین ستیزی و نژادپرستی جلوه دهند باید اقدامات جدی ای انجام دهیم.** بلکه همین طور است، باید بین یهود و صهیونیست ها تفکیک قائل شد؛ حتی امروز یهودی های غیر صهیونیست انجمن هایی در سطح جهان تشکیل داده و می گویند بازگشت به سرزمین های اشغالی حق مردم فلسطین است و صهیونیست ها به خود آیین یهود هم ظلم کرده و تصویر منفی در سطح جهان از این آیین ایجاد کرده اند. یهود یک دین آسمانی است و اقلیت های دینی اعم از یهودی، مسیحی و زرتشتی در گفتمان انقلاب اسلامی محترم هستند. اگر اهل کتاب و پیروان حضرت موسی (ع)

توسط صهیونیست ها اتفاق افتاده و عملیات هجومی و غافلگیرانه حماس دفاع مشروعی است برای پایان دادن به قتل، غارت، جنایت و کودک کشی و تجاوز به مقدسات و مسجدالاقصی. صهیونیست ها با توجه به اقدامات چند ماه اخیرشان عزم خود را جزم کرده بودند که مسجدالاقصی را به آتش بکشند، لذا این عملیات شکوهمند دفاعی است از اسلام و رسول الله، دفاعی است در مقابل کشتار بی رحمانه صهیونیست ها که در ماه های قبل از توفان الاقصی اتفاق افتاد. بارها صهیونیست ها به غزه حمله و خانه ها را ویران کردند و بی گناهان را کشتند و بسیاری از مردم را اسیر کردند و آخرین عملیات صهیونیست ها حمله به کرانه باختری و جنین بود که کشتار زیادی در آنجا به راه انداختند. بنابراین در حقوق بین الملل این یک عملیات برای دفاع مشروع و در قالب فصل ششم منشور سامان ملل است. کل سرزمین فلسطین متعلق به فلسطینیان و امت اسلام است و عملیات هجومی توفان الاقصی عملیات دفاع مشروع از مسجدالاقصی و جهان اسلام است. پایان اشغال و غصب و جنایت صهیونیست ها است. رژیم صهیونیستی به دلیل شکستن ابهت و تحقیر تاریخی که پس از عملیات توفان الاقصی متحمل شد، می خواهد این پیروزی بزرگ فلسطینیان را به بیرون از فلسطین نسبت دهد. این در حالی است که طراحی، برنامه ریزی، آموزش و حضور در میدان این عملیات توسط خود فلسطینیان انجام

برخی مقامات غربی و رسانه های معاند در چند هفته اخیر ادعا کردند حماس در عملیات ۱۵ مهر که به توفان الاقصی معروف است حمله پیش دستانه ای انجام داده است و از این جهت متجاوز محسوب می شود و حملات و بمباران های این روزهای اسرائیل به غزه به عبارتی دفاع از خود به حساب می آید. این ادعای عجیب ما را بر آن داشت تا بار دیگر و از جنبه فقهی و حقوقی به عملیات شکوهمند توفان الاقصی بپردازیم. آیت الله عباس کعبی، عضو مجلس خبرگان رهبری و از حقوق دانان برجسته و صاحب نظر کشور در گفت و گو با «وطن امروز» این ادعای غربی ها را رد کرده و به چند شبهه رایج دیگر درباره فلسطین، پاسخ هایی را ارائه کرد.

حضرت آیت الله کعبی: سال هاست شبهه ای میان مردم درباره فلسطین رایج است که در مناسبت ها و حوادث مختلف برجسته می شود. عده ای می گویند فلسطینی ها خودشان زمین های شان را به اسرائیلی ها فروخته اند و سرزمین شان را ترک کرده اند و حالا مدعی زمین های فروخته شده هستند. آیا این مساله سند و منبع معتبری دارد؟ پاسخ شما به این شبهه چیست؟ این مساله که هر چند وقت یکبار در فضای مجازی و جاهای دیگر مطرح می شود یک دروغ تاریخی است. زمین هایی که ادعا می کنند فروخته شده اولاً با اعمال نفوذ، فشار، شیطنت، مکر و فریب بوده است. ثانیاً مقدار این زمین ها فقط ۸ درصد اراضی کل فلسطین را در برمی گیرد. از طرفی اصلاً سرزمین یک کشور قابل خرید و فروش نیست. سرزمین از ارکان اصلی حاکمیت است و حاکمیت که قابل خرید و فروش شخصی نیست. مثل اینکه مردم یک شهر بگویند ما شهرمان را فروختیم یا مردم یک استان بگویند استان مان را فروختیم یا مردم یک کشور بگویند کشورمان را فروختیم؛ آنها مالک نیستند که بفروشند، حاکمیت متعلق به همه نسل ها در همه عصرهاست و صلاحیت حاکمیتی در حوزه قلمروی سرزمینی مربوط به اشخاص نیست بلکه یک امر عمومی است و امر عمومی که قابل خرید و فروش نیست. مردم یک کشور براساس نظریه های حاکمیتی به آنها اعمال حکمرانی می شود و مالک سرزمین نیستند و حتی اگر بگوئیم مالک هستند، این مالکیت به نحو عمومی است، مالکیت عمومی و مالکیت متعلق به مردم کل سرزمین قابل خرید و فروش نیست. یکی از ۴ عنصر سازنده یک دولت و کشور سرزمین است که همان طور که عرض کردم قابل فروش نیست.

■ آیا از منظر دینی و فقه اسلامی نیز می توان گفت فلسطین بخشی از سرزمین های اسلامی است و از این منظر مردم ساکن آنجا حق واگذاری آن را به یهودیان و به طور کلی غیرمسلمانان ندارند؟ بلکه در سرزمین فلسطین، مقدساتی مثل مسجدالاقصی، قبله اول مسلمین و مدفن انبیای الهی وجود دارد. فلسطین سرزمینی است که خداوند می فرماید پر از خیر و برکت است و متعلق به کل مسلمانان و امت اسلامی است. سرزمینی که متعلق به کل امت اسلامی است، مردم یک سرزمین خاص هم نمی توانند آن را بفروشند. پس فلسطین هم متعلق به مردم فلسطین است و هم متعلق به کل امت اسلامی و از این منظر هم قابل خرید و فروش نیست. علاوه بر آن قبل از اشغال فلسطین در سال ۱۹۴۷ که کنفرانس قدس برگزار شد، علمای سنی و شیعه تهدید، تطمیع و فریبکاری درباره

خرید زمین های فلسطینی ها را تحریم کردند و خرید و فروش زمین را حرام و باطل اعلام کردند و مردم فلسطین آن زمان به این هوشمندی رسیده بودند که سرزمین خود را نفروشند. فلسطین سرزمین اسلام بوده و از جهت فقهی و حقوقی جزئی از دارالاسلام است. فلسطین سرزمین مقدسی است که به تمام انبیای الهی تعلق دارد. حتی اگر به آنجا بگوئیم سرزمین موسی، یعنی سرزمین ایمان و بندگی خدا و این در مقابل سرزمین کشت و کشتار و جنایت است، زیرا آیین انبیای الهی هرگز تجاوز به ملتها و آواره کردن آنها را نمی پذیرد.

این روزها حماسه مردم بزرگ فلسطین را مشاهده می کنید که چگونه مقاومت می کنند و حتی میدانی که موشک به آن اصابت کرده تبدیل می شود به میدان بازی کودکان فلسطینی. مردم غزه در حال قتل عام شدن هستند ولی از غزه خارج نمی شوند.

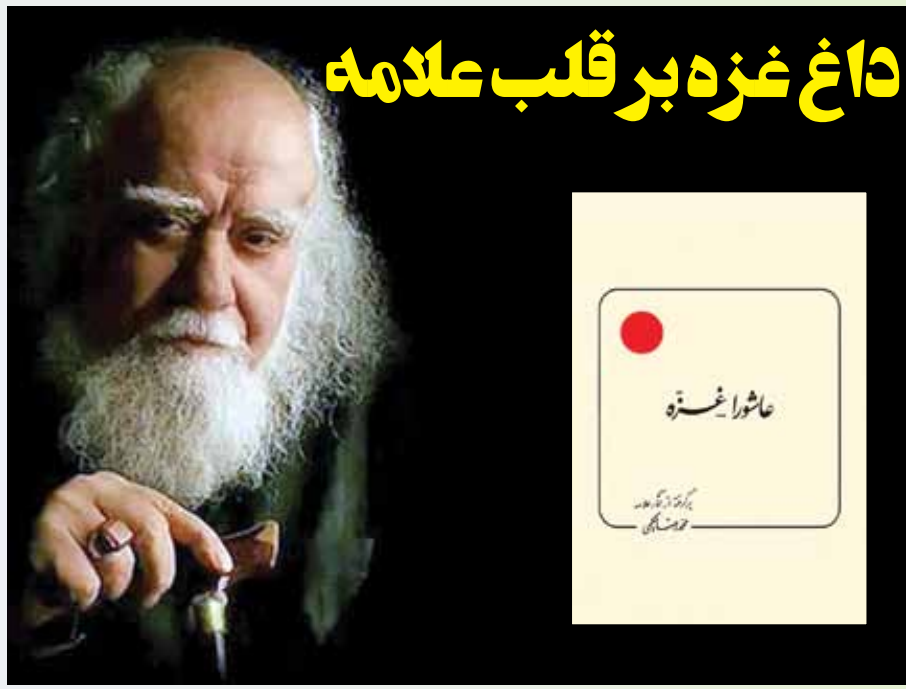
این مردم سال ۱۹۴۷ به هیچ قیمتی حاضر نبودند سرزمین خود را بفروشند و سرزمین را عمق هویت دینی، عمق هویت ملی و عمق هویت اسلامی خود می دانستند. چگونه امکان دارد این مردم سرزمین های خود را بفروشند؟ این افسانه ای است که صهیونیست ها و دشمنان فلسطین درست کردند. **■ برخی مقامات غربی و رسانه های معاند ادعا می کنند حماس در عملیات ۱۵ مهر ماه که به توفان الاقصی معروف است حمله پیش دستانه ای انجام داده است و از این جهت متجاوز محسوب می شود و بمباران های امروز اسرائیل به غزه به عبارتی دفاع اسرائیل از خود به حساب می آید. پاسخ شما به این مطالب چیست؟** پاسخ این است که دفاع مشروع در حقوق بین الملل و در فقه اسلامی شامل هجوم به غاصبان و حمله ابتدایی علیه غاصبان می شود. توفان الاقصی یک عملیات برای دفاع مشروع است، از این منظر سازمان ملل و شورای امنیت بر اساس قوانین بین المللی مقاومت مردم فلسطین را مقاومت مشروع و بر پایه فلسطین شناخته بودند، چرا که ۷۵ سال قتل، غصب، غارت و تجاوز علیه دین و جان انسان های بی گناه و علیه سرزمین آنها

دفاع مشروع در حقوق بین الملل و در فقه اسلامی شامل هجوم به غاصبان و حمله ابتدایی علیه غاصبان می شود. توفان الاقصی یک عملیات برای دفاع مشروع است، از این منظر سازمان ملل و شورای امنیت بر اساس قوانین بین المللی مقاومت مردم فلسطین را مقاومت مشروع و بر پایه فلسطین شناخته بودند، چرا که ۷۵ سال قتل، غصب، غارت و تجاوز علیه دین و جان انسان های بی گناه و علیه سرزمین آنها



دفاع مشروع در حقوق بین الملل و در فقه اسلامی شامل هجوم به غاصبان و حمله ابتدایی علیه غاصبان می شود. از این منظر سازمان ملل و شورای امنیت بر اساس قوانین بین المللی، مقاومت مردم فلسطین را مقاومت مشروع و بر پایه دفاع مشروع شناخته بودند، چرا که ۷۵ سال قتل، غصب، غارت و تجاوز علیه دین و جان انسان های بی گناه و علیه سرزمین آنها توسط صهیونیست ها اتفاق افتاده. لذا این عملیات شکوهمند دفاعی است از اسلام و رسول الله، دفاعی است در مقابل کشتار بی رحمانه صهیونیست ها که در ماه های قبل از توفان الاقصی اتفاق افتاد

داغ غزه بر قلب علامه



کتاب «عاشورا - غزه» اثر گرانتقد علامه محمدرضا حکیمی (۱۴۰۰-۱۳۱۴ش)، بیست و هفتمین شماره از مجموعه کتاب های «برگرفته از آثار» است. این کتابچه کوچک در بردارنده مقاله ای است که سال ۱۳۸۷ و در پی حمله رژیم صهیونیستی به نوار غزه (که مصادف بود با «عاشورا»ی حسینی)، به رشته تحریر درآمد و نخستین بار توسط انتشارات مسجد همت تجریش، به اهتمام مجتبی کیا و مرتضی کیا به چاپ رسید و پس از آن توسط انتشارات «دلیل ما» در قطع خشتی به چاپ رسید.

نگارنده در ابتدا بحثی طولانی درباره عاشورا بیان می کند سپس به مناسبت تقارن ایام مذکور با جنگ ۲۲ روزه غزه در سال ۱۳۸۷ش، مطالبش را چنین عرضه می کند: «از اصول مسلم اسلام (نیز از اصول مسلم علایی) این است که مسلمانان باید - همواره و در هر شرط و وضع - از دین خود (اسلام) و از مسلمانان دفاع کنند، پشت و پشتیبان یکدیگر باشند و در برابر هر گونه حمله و تهاجم دست در دست یکدیگر بگذارند، بلکه مانند «یک دست» شوند و مقاومت کنند و به حمله ها و تهاجم ها پاسخ دهند و موجودیت دین خدا

«مهدی موعود» و ظهور سرنوشت ساز و جهانگیر و فاتح او». ارتباط علامه حکیمی با جریانات مبارز در لبنان و فلسطین از سابقه های طولانی برخوردار است. سیدعبدالله صفی اللدین، نماینده و حامل پیام سید حسن نصرالله در دیدار محمدرضا حکیمی در منزل ایشان، در سخنان خود به نقش کتاب «الاحیاء» در تربیت بدنه و کادر رهبری حزب الله گفته بود: «به یاد دارم از سال هایی چند قبل از تشکیل حزب الله در سن ۱۸ - ۱۷ سالگی، در لبنان، اجتماعاتی با بچه های مذهبی داشتیم که در هیات ها، در مسجدها یا حسینیه ها، دور هم جمع می شدیم، کتاب های حضرت تعالی و مهم تر الحیات، الگوی ما بود. همان مجموعه از برادران که با آن کتابها مانوس بودند و با آنها خودسازی می کردند، الان در رأس مسؤولیت های حزب الله هستند». وی در ادامه در این باره تصریح کرد: «دین وسیله شما نیز در شکست تاریخی اسرائیل شریک هستید و نقش دارید...». علامه محمدرضا حکیمی در وصیتنامه خود بخشی از حق التالیف الحیات (چاپ بیروت) را به استادان و جوانان مبارز فلسطینی هدیه کرده است. این خواسته استاد در وصیتنامه مکتوب شان هم مطرح شده است.

و قرآن کریم و قبله معظمه خود و دیگر مسلمانان را مصون بدارند. این امر، جای هیچگونه شبهه ای و تعللی ندارد... لکن شرایط به گونه ای پیش رفت که چنین نشد، بلکه چیزهایی پیش آمد که از هیچ انسان مسلمان و مدعی مسلمانی انتظار نمی رفت... این شیعیان ایران بودند که از لحظه اول، به ادای تکلیف اسلامی خود قیام کردند و به صراحت ابراز داشتند ما همچنان که برای «عاشورا» عزاداریم، برای مردم غزه نیز عزاداریم... دفاع از غزه، دفاع از مسجدالاقصی است، دفاع از کل موجودیت های اسلامی است... این را باید مرتجعان بدانند». در ادامه ایشان ضمن انتقاد از بی تفاوتی دیگر مسلمانان و حکام آنان نسبت به این رخداد، برخی نظرات سیاستمداران دول غربی را در این باره بیان می کند و در پایان می گوید: «بنابراین ملاکات شرعی و نقلی و عقلی، دفاع از هر وجب از خاک اسلام، دفاع از اسلام است و وظیفه است. ما شیعه افتخار می کنیم که از درون خود اسرائیلی ها برخی تصریح کرده اند که مشکل ما به طور عمده با شیعه است که در گذشته پشتوانه ای چون «عاشورا» دارند و در آینده، اداره کننده و سوق دهنده ای چون

نژادپرستی ایدئولوژیک

باید عهد و پیمان خاصی از خدا در این زمینه گرفته باشد - که نگرفته آید - یا دروغ و تهمت به خدا می بندد! از آیه فوق این نکته نیز استفاده می شود که روح تبعیض نژادی یهود که امروز نیز در دنیا سرچشمه بدبختی های فراوان شده، از آن زمان در یهود بوده است و امتیازات موهومی برای نژاد بنی اسرائیل قائل بوده اند و متأسفانه بعد از گذشتن هزاران سال، هنوز هم آن روحیه بر آنها حاکم

است، این امتیاز طلبی با هیچ منطقی سازگار نیست؛ زیرا هیچ گونه تفاوتی در میان انسان ها از نظر کیفر و پاداش اعمال در پیشگاه خدا وجود ندارد. بر قانون کلی مجازات زده شود؟ آیه فوق با یک بیان منطقی، این پندار غلط را باطل می کند و می گوید: این گفتار شما از ۲ حال خارج نیست: یا

پیمانش تخلف نخواهد کرد؟ یا اینکه چیزی را به خدا نسبت می دهید که نمی دانید؟! **قُلْ أَتَّخَذْتُمُ عِبَادَةَ اللَّهِ قُلْنَ يَا خُلَفَاءَ اللَّهِ عِبَادَةً حَقَّ لِلَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ**. اعتقاد به برتری نژادی ملت یهود و اینکه آنها تافته ای جدافتاده و گنجه کاران شان فقط چند روزی کیفر و مجازات می بینند، سپس بهشت الهی برای ابد در اختیار آنان است، یکی از دلایل روشن خودخواهی و خودپرستی این جمعیت

قرآن در آیه ۸۰ سوره «بقره» به یکی از گفته های بی اساس یهود که آنان را به خود مغرور ساخته و سرچشمه قسمتی از انحرافات آنها شده اشاره می کند و به آن پاسخ می گوید. می فرماید: آنها گفتند: هرگز آتش دوزخ، جز چند روزی به ما نخواهد رسید، **«وَ قَالُوا لَنْ نَمْسَنَهُنَّ إِلَّا آيَاتِنَا مُدَوِّنَةً»**. بگو یا ای پیمان می زنی خدا بسته آید که هرگز خداوند از

باید عهد و پیمان خاصی از خدا در این زمینه گرفته باشد - که نگرفته آید - یا دروغ و تهمت به خدا می بندد! از آیه فوق این نکته نیز استفاده می شود که روح تبعیض نژادی یهود که امروز نیز در دنیا سرچشمه بدبختی های فراوان شده، از آن زمان در یهود بوده است و امتیازات موهومی برای نژاد بنی اسرائیل قائل بوده اند و متأسفانه بعد از گذشتن هزاران سال، هنوز هم آن روحیه بر آنها حاکم